**مصاحبه با MZPrivateKabul-15-08-2018**

**تاریخ 15 اوگست 2018**

**مصاحبه در دفتر واحد تولیدی**

ک: در شرکت به حیث چی کار می کنید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: در شرکت مه وایس پریزیدنت هستم و 50 فیصد سهم دارم. تقریبا چهار سال میشه که این شرکت ره ما تأسیس کردیم.

ک: چه تعداد کارگر داره شرکت؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: در مجموع ما دو دیزاینر داریم. که یکی اش رییس شرکت اس و یک دیزاینر دیگه هم داریم. دو نفر هم ماشین کار و چهار نفر دیگر هم کمکی که زیر دست ما مثل اسیستانت با ما کار می کنن.

ک: در مجموع چند نفر میشه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: به شمول خودم 10 نفر میشیم.

ک: طرز استخدام شاگردها چی رقم است؟ در آخر ماه معاش می گیرند؟ به اساس قرارداد استخدام میشن؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: معمولا در شرکت های که سرمایه گذاری بسیار کم می داشته باشن کارگر بدون این که قرارداد یا چیزی بکنیم استخدام میشن. بدون این که قرارداد رسمی داشته باشیم فقط زبانی همراهش گپ زده میشه که ماهانه یا هفته گکی [...] دو تا شاگردهای ما ره هفته در هفته معاش میتیم. چون سنا خُرد هستند. دیگر باقیمانده یشان ره ماه در ماه. بدون قرارداد رسمی.

ک: تولید به چی شکل: دست، دست و ماشین، نیمه اتومات یا کاملا اتومات

MZPrivateKabul-15-08-2018: ماشینه تقریبا نیمه اتومات گفته میتانیم که کتی دست کاغذ تنظیم میشه و منظم میشه و در ماشین مانده میشه. تنها ماشین چاپش می کنه. پس که چاپ هم میشه دوباره با دست برداشته میشه و باز تنظیم میشه و باز [قطع]

ک: پس قسما دست و قسما ماشین اس

MZPrivateKabul-15-08-2018: بله. در خود چاپ رول ره مکمل ماشین داره ولی ترتیب کردن و آماده به چاپ کردنش کلش به دست میشه.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی تان چقدر اس؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: تولیدها نظر به جنس اس. که در کدام نوع ورق چاپ شوه. کوالتی چاپ چی رقم باشه. یک رنگ باشه دو رنگ باشه یا چهار کلر [colour] باشه. این هر کدامش نرخ خوده داره و باز کاغذها هم مختلف است. 70 گرام داریم. 80 گرام داریم. باز هارد پیپر میشه، مثلا 130 گرام اس، 300 گرام. هر کدام اینها نرخ های مختلف خوده داره.

ک: حد اوسط چند افغانی تا چند افغانی است؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: اگر سایز A-4 ره در نظر بگیریم یک چاپی که فور کلر شوه در سایز ای.4 باشه حد اوسطش 2 افغانی می آیه. که در کاغذ 80 گرام شاید 80 پول بیایه و در کاغذ 300 گرام، 3 روپیه بیایه.

ک: حد اکثر ظرفیت تولیدتان چقدر است؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: مکمل ماشین های خوده مشکل است که محاسبه بکنم که از تمام ماشین ها باید کلکیولیشن شوه که کدام ماشین چقدر در فی ساعت چاپ می کنه. ولی ماشین های که همینجه داریم یکی جی.تی.او است [مزاحمت] ماشینی که مثلا جی.تی.او است که سایز ای.3 میگنش، در فی ساعت 8 هزار ورق ره چاپ می کنه.

ک: منظورم از این سوال این بود که آیا ماهانه پلان تولیدی دارید یا این که به اساس سفارش شما تولید می کنید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نظر به نوسانات کار که فعلا در کابل است او طور یک تقسیم اوقات نداریم و ظرفیت کار ما نظر به قرارداد، او وقت سنجش کرده میتانیم و ترتیب می کنیم که کارمند زیاد بگیریم [یا نگیریم] مثلا. همی حالی مثلا دو ماشین یا سه ماشین ما فلج است به خاطر این که کار نیست. اگر مکمل باشه باز میتانیم کلکیولیشن کرده که نظر به بک قرارداد. یک قرارداده که کار کردیم دو لک و 10 هزار کتابه در 35 روز تسلیم کردیم. که هر کدامش تقریبا 90 صفحه بود.

ک: کدام سال احساس می کنید که حجم کار پایین آمده؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ما سال 1392 بود که کار ره شروع کردیم او وقت کار هم خوبتر بود. دیگه حجم کار ما هم که حالی ریکورد ره می بینیم حجم کار تقریبا 60 فیصد بهتر بود. و بعد از او هر سال تنزیل کرده رفت تا امروز. که نظر به سال اول تقریبا 40 کار ما در مارکیت کم شده.

ک: به اساس سفارش تولید می کنید یا پیش‌تولید دارید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: به اساس سفارش است.

ک: سرمایه ی اولیه شرکت: قرضه ی بانک، کمک مالی دولت، ان.جی.او، جامعه و مردم محل، کاملا شخصی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: در بنیان گذاری شرکت ما 3 نفر بودیم که 33 فیصد هر کدام ما سهم داشتیم. که سهم مه 34 بود. در اول که سرمایه گذاری کردیم حدودا 20 هزار دالر بود که ماشینری که برای بار اول ضرورت بود و دفتر و فرنیچر و این گپ ها. و پیسه ی خود ما بود.

ک: در جریان کار هم برای شما کمکی صورت نگرفته تا به حال در این 4 سال؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نی نی. تا امروز قرضه ی بانک و این گپ ها، از کسی کمک نگرفته ایم.

ک: حالی فعلا ارزش کلی دارایی های شرکت چقدر اس؟ تا چه اندازه شما پیسه یتان ره بند انداخته اید در این شرکت؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: حدودا دو ماه پیش یک سنجش کردیم همو سرمایه ی ره که ما به اندازه ی 20 هزار سرمایه گذاری کرده بودیم، تقریبا بین 80 الی یک لک دالر شده. ماشینری که داریم. دیگه ماشین خریدیم. موادی که داریم.

ک: کدام سال بود آخرین باری که ماشین خریدید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: اواخر 2016 بود که همین ماشینی که پیشتر برایتان گفتم جی.تی.او استه، ای.3 همی ره گرفتیم.

ک: معاش کارگرها چقدر اس؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: در مجموع که یک نفر ماشینکار ما فیصد کار می کنه کتی ما. از کاری که می کنه یک چیزی ره به نام داب می گن که هر هزار ورقی که چاپ می کنه چهار کلر او ره یک داب میگیم که اگه یک کلر باشه او نرخش تفاوت می کنه، او [کارگر] نظر به داب کار می کنه که یک هزار داب بزنه 50 فیصد پیسه اش مربوط به ماشینکار میشه که زحمت می کشه و 50 فیصدش مربوط ما میشه. دیگه باقیمانده شاگردها حدودا ماهانه تا 30 هزار ما معاش میتیم تمام شاگردها ره که در این ضمن معاش خود [رییس شرکت] ره حساب نمی کنیم. که برعلاوه ی ریاست شرکت دیزاین هم می کنه. اگه معاش او ره حساب بکنیم 15 هزار حدودا معاش او میشه. ولی این ره محاسبه نمی کنم چون شراکت داره.

ک: در مجموع 30 هزار میشه معاش کارگرها؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بله. در مجموع 30 هزار میشه. بدون کسی که ماشینکار اس.

ک: اتحادیه ی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: یک اتحادیه دارند چند مطبعه ای که با هم شناخت دارند. که او قدر مورد [قبول] اکثریت نیس. یک تعدادی جمع شده اند که به خاطر بعضی غرایض شخصی خود. اما او طور اتحادیه ای که از طرف دولت باشه یا آدم بتانه اعتبار کرده کتیش نیس. این مردم ها هم که اتحادیه جور کرده اند فقط همین قدر کرده که رییس اتحادیه که بچه اش ره تا اروپا کشید که از اونجه باز فرار کرد. یعنی او طور اتحادیه ای نیس که بی غرض باشه.

ک: پس کاملا کلگی انفرادی کار می کنه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بله انفرادی است.

ک: تغییراتی در زندگی شخصی ات [...] مثلا در وقت فراغت چی کارهایی می کردی که حالی نمیتانی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: معمولا وقتی که آدم دوره ی درس میباشه یا کاری که در جایی وظیفه میداشته باشی، آدم وقت اضافه‌تر میداشته باشه تا این که آدم کار شخصی شروع می کنه.

ک: یعنی احساس این ره می کنی که او زمان، وقت بیشتر داشتی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: [بله] او وقت، وقت اضافه‌تر داشتم برای این که آدم بروه با دوست ها بنشینه و امثال این به دیگه گپ ها رسیدگی کنه. ولی حالی اینجه یک مسؤلیتی شده که مجبورا آدم باید بیایه. مخصوصا در شرایط افغانستان. تا که نگردی و زحمت نکشی و پشت کار نگردی آدم به ندرت در اینجه پیدا می کنه. فلیهذار باید هر روز باید وقت بیاییم و شام ناوقت از اینجه برویم. و کار هم در کابل مثل شکار واری اس. همی لحظه اگه یک آدم برابر شد و گرفته یک کار ره خو میشه. اگر نبودی، دیگه حتا کس هایی که کتیشان کار کرده باشی، یک سال، دو ماه، سه ماه، وقتی که نباشی ببینه نیستی میره پیش یک کسی دیگر. دیگه از این لحاظ یک ذره [قطع]

ک: در وقت فراغت چی می کنی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: حالی خو صاحب دو اولاد هستم کوشش می کنم زیادتر ده خانه باشم. و بعد از این که از دفتر میرم اکثر اوقات علاقمندی به تمرین هم زیاد اس. تمرین می کنم.

ک: کتاب هم می خوانی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نو یک ماه دو ماه شده که [پس] شروع کردیم.

ک: سابق ها چی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: خو نظر به وظایفی که در گذشته داشتیم [...] یک ذره در کتاب خواندن تنبل هستم.

ک: موسیقی چی؟ چی نوع؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: موسیقی خوش دارم. موسیقی نظر به علاقه ای از اول داشتیم افغانی هم، هندی زیادتر و غزل زیاد گوش می کردم از ناشناس و استاد قاسم.

ک: پس بیشتر موسیقی افغانستان؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: افغانستان و همچنان هندوستان.

ک: در محیطی که زندگی می کنی، موقعیت مالی، تصویر که تو داری و مردم داره؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: در موقف مالی که در بین خویش و قوم خود قرار دارم متوسط است.

ک: همو قدر پیدا می کنی که مصرف میشه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بله. به ندرت پس انداز داریم یا سر چیزی دیگری مصرف می کنیم. حتا در دو سال اخیر حتا نتوانسته ایم که سر چیزی دیگری سرمایه گذاری کنیم. یا پلان برای یک چیزی دیگری داشته باشم. برای توسعه شرکت مثلا.

ک: مردم چی فکر می کنن؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: مردم هم تقریبا نظر به مصارفی که [...] مهمان کسی که خانه می آیه آدم کوشش می کنه که زیادتر مصرف کنه و مهمان نوازی کنه، آنها شاید کمی از دید خود ما کرده موقف ما ره بالاتر ببینن. نظر به مصارفی که می کنیم. در خانه که قوم و خویش می آیند. چرا وقتی که بعضی وقت ها آدم تقاضایشان ره می بینیه، کسی چیزی ضرورت میداشته باشی [و از ما تقاضا می کنه] کوشش می کنه اول طرف ما بیایه. که ما به این طور یک چیز ضرورت دارم شاید تو داشته باشی.

ک: یک چشم امید دارند؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: یک چشم امید دارند [بله]. از این لحاظ فکر می کنم که از خود ما کرده هم سرمایه دارتر فکر می کنن [خنده].

ک: اگر وقتش ره داشته باشی [سه گزینه]

MZPrivateKabul-15-08-2018: وقت فراغت که پیدا کنیم تقریبا در همین دو سال به این طرف سنوکر میریم.

ک: فعلا در کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: فعلا در قصبه که مربوط ناحیه 15 میشه.

ک: از برکت مفاد شرکت توانسته ای وضع زندگی ات ره ارتقا بتی؟ از یک جای خرابتر به جای خوبتر بری؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ها ها. از وقتی که کار ره در شرکت شروع کردیم وضعیت یک کمی خوبتر شده. یک مقدار سرمایه ی ما نظر به سرمایه ی اولی که مصرف کرده بودیم حالی زیادتر شده.

ک: توانسته ای که صاحب یک موتر نو شوی یا خانه ی نو شوی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ها. از شرکت یک موتر هم گرفتیم. دیگه، مفاد کار بیشتر بود. یک ذره به زندگی خود هم رسیدگی توانستیم.

ک: چند باب خانه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: فعلا یک باب. که فقط تعمیرش از درآمد شرکت بوده.

ک: اطفال خصوصی یا دولتی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: خُرد هستند تا هنوز.

ک: حج هم رفتی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نه.

ک: یک وقتی تصمیم گرفتی و گفتی می خواهی شرکت باز کنی. کس های که برایت کمک مالی یا معلوماتی رساندند کی ها بودند: اعضای فامیل، خویش و اقارب، دوست ها، همولایتی [قطع]

MZPrivateKabul-15-08-2018: شرکت ره تقریبا روی یک تصادف تصمیم گرفتیم جور کنیم. کسی از دوست ها همرایم همکار بود. هر دوی ما در افغان بیسیم کار می کردیم. و او همزمان که در افغان بیسیم کار می کرد کتی کسی شریک بود در همین دفتری که همین لحظه نشسته ایم. در همین دفتر شریک بود. زنگ زد که مه همراه شریکم ناساز شدیم [رابطه یمان برهم خورده] دیگه او میگه یا تو از منافع ات بگذر و سهمت ره بگیر و شرکت ره به مه ایلا کو. یا همی کار ره تو کتی مه بکو، به مه پیسه بتی و دفتر ره تو بگیر [سهم مه ره بخر]. او قدر تقریبا 2 یا دو و نیم هزار مکمل پیسه ی اینها میشه و چیزی [زیاد] نداشتند. ماشینری و این گپ ها. باز نفر سوم که پسان [با ما پیوست] تصمیم گرفتیم صحیح انویست کنیم و ماشین این چیزها بگیریم. دیگر، خود این شرکت ره که جور کردیم این طور مشوره ای که با فامیل کرده باشم یا پلانی که سرش کار کرده باشم که این طور یک شرکتی جور بکنیم، نبوده. تقریبا تصادفی نظر به ضرورت دوست ما که همکارم بود. تقریبا دو و نیم هزار انویست کردم و همین دفتر ره همراه همین آدم گرفتم، 50 فیصد [با 50 فیصد سهم]. که بعدها تصمیم گرفتیم که نفر سوم ره بیاریم که فعلا رییس شرکت است.

ک: پس به اساس تصادف بود؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بله همین شرکت.

ک: حج خو نرفتی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نی.

ک: سفرهای تفریحی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: سفرهای تفریحی یک دو بار هند رفتیم.

ک: به این فکر هم گاهی افتیدی که سرمایه ی تولیدی ره ببری به خاطر شرایط افغانستان در یک جای دیگری به مصرف برسانی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نظر به شرایط امنیتی تقریبا تصمیم داریم که خودم هم تصمیم دارم در همین وقت ها یک سفر داشته باشم به ترکیه. تصمیم دارم که ترکیه برویم اگر امکاناتش باشه.

ک: ماشین آلات ره میتانی انتقال بتی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ماشین آلات ره اگه اینجه سودا کنیم [بهتر است] و از ترکیه [دوباره بخریم] بگیریم. چرا که کل ماشین های که استفاده می کنیم در جرمنی تولید میشه. از کمپنی هایدلبرگ اس. دیگه در اونجه [ترکیه] از این کرده ارزانتر هم پیدا میشه و ماشین خوب هم اس.

ک: یعنی این ماشین ها ره میشه به فروش برسانین؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: این ماشین ره باید سودا کنیم [در صورت انتقال سرمایه]. این ماشین ره اونجه انتقال داده نمیتانیم. این ره اگه ما ببریم، فرضا اگه ما یک ماشینه 10 هزار خریده باشیم، 3 هزار دیگه سرش مصرف شوه [که انتقال شوه]. در 13 هزار از این کرده ماشین بالا و خوبتر برای ما در اونجه به دست می آیه.

ک: از دوست ها و رفیق هایت یک تصویری بده؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: طرفی که بفهمه که یک کمی پولدارتر اس و در جایی بهتر اس، شرایط تقریبا حالی همو رقم شده. ولی بعضی دوست های که همیشه در ارتباط هستم اکثر اوقات سنوکر میرم همرایشان. یکی از دوست های صمیمی مه که بچه ی مامایم هم اس در وزارت دفاع کار می کنه در بخش آی.تی. دوست دیگر ما که بیشتر همرایش در ارتباط هستم کارمند دفتر ام.اس.اف اس که هم‌دوره ی پوهنتون اس. فارمسی ره خوانده و فارغ اس. یک دوست دیگر ما در یک شرکت دریور اس. کتی همینها زیاد ارتباط دارم.

ک: مسایل امنیتی به گونه ی مستقیم بالای حجم تولید شما؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: یکی خو این مسأله اس که تقریبا 4 سال پیش [مصاحبه در 2018 گرفته شده] هر قدر موسسات خارج که بود آهسته آهسته از افغانستا رفتند. این خصوص همی رفتن کمپنی های خارجی سر حجم تولید بسیار تأثیر کرد. چرا که آنها به خاطر ادورتایز [advertise] شرکت یا دفاتر خود به کاغذ ضرورت داشتند به چاپ ضرورت داشتند به پوسترها ضرورت داشتند یا مجله چاپ می کردند. دیگه، با رفتن آنها تأثیرش در بازار کابل یا در مارکیت چاپ حدودا 30 یا 35 فیصد بود که حجم تولیده پایین آورد.

ک: آمار دقیق وجود داره برای این؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: خُب نظر به مشتری های که ما خود ما داشتیم مه مثال میتم. ما همراه دفاتر خارجیِ که ارتباط داشتیم و رفتند، 35 فیصد از کار ما کاسته شد. از همو دفاتری که رفتند، کاری که همراه آنها می کردیم، از حجم تولید ما 35 فیصد کاسته. دقیقا کتی کس های که کار کردیم.

دیگه مسأله ی رفتن آنها [...] امنیت خراب بود این طور گپ ها که کارمندهایشانه اختتاف می کردند و اینها نظر به شرایط بد امنیتی که خود ممالک شان اجازه ندادند، دوباره رفتند [اتباع خارجی به خاطر تهدیدات امنیتی افغانستان ره ترک گفتند]. از این لحاظ دیگر مشکلات امنیتی سر حجم کار ما تأثیر مستقیم داره.

ک: تصمیم گیری در شرکت؟ متمرکز یا غیر متمرکز؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: تصمیم گیری مختص میشه به مه و شریکم که رییس شرکت اس و مه معاونش هستم.

ک: برعلاوه ی معاش دیگه چی خدماتی به کارگرها؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: دو وقت غذا برایشان داده میشه. چای صبح و نان چاشت. و کرایه ی موتشان بدون معاش شان برایشان پرداخت میشه.

ک: بیمه خو ندارند؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نی.

ک: شامل اتحادیه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نی نی.

ک: تصمیم گیرنده ها از افغانستان هستند؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ها.

ک: رابطه با شرکت های دیگری که عین کار ره می کنن؟ رقابتی یا ؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: با بعضی شان معلومدار اس که در رقابتی که دو شرکت یک مسلک ره پیش می بریم مجبور هستیم که رقابت از لحاظ نرخ و این گپ ها داشته باشیم. ولی از لحاظ مناسبات دوستی و دیگه و دیگه کدام مشکلی نداریم. مناسبات ما بسیار دوستانه است. حتا کتی بعضی شرکت ها که در یک دفتر معرفی باشیم اکثر اوقات بین خود مثل جورآمد گفته نمیتانیم اما تقریبا جورآمد [می کنیم]. مثلا میگیم این پروژه ره تو بگیر. بعدی اش ره مه می گیرم. یعنی به یکدیگر خود اجازه ی کار ره میتیم.

ک: بازار آیا به حدی کافی بزرگ اس که کلگی بتانه بدون رقابت کار کنه؟ یا این که فرصت ها کم اس و باید رقابت وجود داشته باشه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بازار فعلی او قدر بازار کلانی نیس که آدم بدون این که کتی دیگه کمپنی که هم مسلک باشه که بدون این که آدم کتیش دوستی و رفاقت داشته باشه او ره بگذاری کار خوده بکنه. بازار کار بسیار کم اس. هر کس کوشش می کنه کتی کسی که رفاقت بسیار صمیمی یا بسیار صمیمی نباشی کوشش می کنی که به هر ترتیبی که شده کار ره باید بگیری.

ک: کمک های دولت چی؟ پیش از این که کار شرکت شروع شوه کدام نهادی برایتان در باره ی بازار و بخش های تولیدی معلومات ارایه کرد؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نهادهای دولتی خو ما به خاطر این که جواز بگیرم مجبور هستیم به دولت برویم. در ضمن این که کمک نمی کنند یا معلومات نمیتن، حتا در مالیه دهی که 4 فیصد مالیه ره ما باید از کار بتیم باید به خاطر دادن مالیه هم رشوت بتیم. که از این دفتر به او دفتر ورق روان شوه و از او دفتر به این دفتر. تا این که ما مالیه بپردازیم. ما یک جواز از آیسا داریم به خاطر گرفتن کار از شرکت های خارجی که حالی مربوط وزارت تجارت شده. یک جواز دیگر از خود شاروالی داریم که سال ده سال از ما پیسه اش ره می گیره. به خاطر یک کاری که ما می کنیم.

ک: چرا؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: خو میگن که مربوط فلان ناحیه ش شاروالی میشی و جواز کاری ضرورت داری. و یک جواز دیگر به خاطر ماهیت کار که چاپ اس و بخش فرهنگی اس باید از وزارت اطلاعات و فرهنگ بگیریم. و او هم سالانه 30 تا 35 هزار تحویلی داره. ما به خاطر یک کار باید 3 جواز داشته باشیم. دو جواز که جبری برای ما میتن. از اطلاعات و فرهنگ و شاروالی. که اگه او جواز ره نگیریم در حدود یک هفته وقت دارم در غیر او دفتر ره مهر لاک می کنند. دیگه جواز آیسا ره نظر به کار خود می گیریم که هر شرکتی که خارجی یا داخلی باشه یا بخواهیم در یک قرارداد یا بد [bidding] اشتراک بکنیم باید جواز آیسا داشته باشیم. دیگه دولت کتی موسسه های شخصی یا سرمایه گذارهای شخصی تا که به نفع شان نباشه کمک نمی کنن که مثلا سرمایه گذاری ها ره، اگه خُرد باشن یا کلان، علاقمند بسازند به کار.

ک: در قسمت کمک های عام المنفعه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: این طور نهادی ره در کابل اگه واقعبینانه ببینیم این طور نهادی ره آدم اعتماد کرده نمیتانه که [...] همین صلیب سرخ اس که بعضی اوقات آنها تکت لاتری دارند که برای بعضی کس های که معلول استند یا تداوی میشن، خارجی به تداوی روان می کنند، که تنها از لاتری صلیب سرخ بخریم. دیگه این طور یک مرکزی نیس که آدم سرش اعتبار کنه که همین پیسه ره اگر ما در همینجه میتیم این به یک آدم مستحق میته. دیگه میاین مردم که اعانه ی مسجد که ما مسجد جور می کنیم در او گپ ها نه اشتراک می کنیم و نه پیسه میتیم به کسی.

ک: کدام وقتی یا سالی که احساس کرده باشید که شرکت باصرفه نیست و خواسته باشید دروازه اش ره ببندید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: تا فعلا این طور یک حالت نیامده ولی در همین اواخر ضمن این که پیشتر برایت گفتم تصمیم بند کردن کار ره نداریم اما اگه امکاناتش باشه انتقالش میتیم از اینجه، از افغانستان. که اگه بتانیم ده ترکیه.

ک: بازاریابی و فروشات بیشتر در کدام شهر؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: فعلا کابل زیادتر است.

ک: ارزش مواد خام در چی حد است؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: او نظر به نرخ دالر اس در مقابل افغانی. با قیمت شدن نرخ دالر ارزش مواد خام بالا میره. با پایین شدنش پس پایین می آیه.

ک: منظورم این که همه چیزی که استفاده می کنید از بیرون می آیه؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: همه چیزی که استفاده می کنیم از بیرون می آیه.

ک: هیچ چیزی داخلی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: همه چیزی ما از بیرون می آیه. کاغذی که استفاده می کنیم کلش اندونیزیایی اس که از طریق پاکستان می آیه. چرا که آسیای میانه و افغانستان جنسشه تنها یک کمپنی در کراچی داره که تنها از همو طریق می آیه. دیگه، رنگ و این چیزها هم تمامش پاکستانی اس که ما استفاده می کنیم. یا چینایی.

ک: کس های که در شرکت کار می کنن: از خود محل، خویش و اقارب، همقومی، اعضای فامیل؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: کارمندهای خو از قوم و خویش خودم کسی نیس فعلا. یکی از برادرهای رییس شرکت اس که کتی ما کار می کنه. و یکی هم خسربره یش اس، دیزاینر دوم. و باقیمانده ی کارمندهای ما کس هایی اس که در مارکیت کار کرده اند و می شناسیمشان که در همین عرصه بلد هستند. از لحاظ این که می شناختیم که در فلانه مطبعه [در سابق] کار می کرد، مسلک مطبعه ره بلد اس، از همین طریق گرفتیمشان در کار. که مثلا با یک مطبعه ی دیگر جور نیامده اند یا معاش شان ره کم می داد، باز [بیرون شدند و ما استخدام شان کرده ایم].

ک: ماشین آلات به درد دیگر تولید هم می خوره؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ماشین آلاتی که در چاپخانه استفاده میشه به غیر از چاپ و پرنت دیگه به درد هیچ چیزی نمی خوره.

ک: رقابت با رقیب های خارجی چی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: شرکت ما با شرکت های خارجی رقابت نداره و در او سویه در افغانستان یک الی دو شرکت اس فعلا.

ک: قرض می فروشید یا به اوگرایی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: فیصدی قرض بسیار کم اس. کس های ره که می شناسیم یا از دوست ها هستند و ارتباط ما کتیشان زیادتر اس باز برایشان قرض میتیم.

ک: خریدارهایتان دایمی هستند؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: اکثرش دایمی هستند مثلا کس های که بل و این طور گپ ها چاپ می کنن [و] ما حدود 10-15 داکتر اس که مشتری ما اس و تقریبا اگر اشتباه نکنم 30-40 نفر دکاندار و موبل‌فروش و اینها اس که بل های خوده چاپ می کنن. اینها کس هایی هستند که مشتری متواتر هستند. همیشه که بل ضرورت میشه.

ک: باز نقد میتن؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: اکثریتش نقد میته. گفتم حدود یک 5 فیصدش اگر بسیار آشنایی داشته باشیم و خودشان آمده نتانن، زنگ میزنن که برایشان روان کنیم و باز پیسیشه هر وقت که دادند.

ک: مشتری که نو معرفی میشه، رو در رو یا تلیفون یا انترنت؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: اکثریت دفتر می آیند و بسیاری ارتباط مشتری های ما از طریق انترنت و این گپ ها که بخواهند به سایت ما دسترسی داشته باشند یا از طریق ایمیل با ما ارتباط داشته باشند در دفعه ی اول، مشکل است و کسی پیدا کرده نمیتانه. ولی یک بار که مشتری بیایه [در دفتر] باز اگه در آینده باقیمانده کارهای خوده از طریق ایمیل هم تنظیم کنن ممکن اس.

ک: به خاطر رقابت بهتر با دیگر مطابع، سیاست نوآوری تان چیست؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نظر به شرایط امنیتی که هر روز بدتر شده روان اس مشکل اس که نظر به پلان های که داشتیم مطابق اونها پیش برویم. چون پلان داشتم که یک دو ماشین نو مودل بالاتر – 2015 – بیارم از آلمان ولی نظر به شرایط مشکل شده تصمیم گیری که آدم بتانه در این شرایط رقابت کنه و سرمایه گذاری [بیشتری که برای نوآوری نیاز اس] بکنه. و فعلا در همین حالتی که هستیم کوشش داریم در همین حالت باشیم. اگر بخواهیم در مارکیت رقابت کنیم هر ماشینی که چاپش بالاتر باشه و کوالتی اش بالاتر باشه در مارکیت آورده شوه هر کس دیگری که ببینه علاقه می گیره. دیگه، در مارکیت [ماشین و ابزار نو تولیدی] تأثیر خوده داره. اما در شرایط فعلی امنیتی این طور کدام پلانی نداریم.

ک: در یک روز چند ساعت کار می کنی؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: ما معمولا از 8 صبح تا 5 دیگر می باشیم در شرکت. اگر روزهای که کار باشه باز بیشتر.

ک: کارگرها؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: معمولا به تایم ما میباشن اما اگه کار زیاد باشه باز آنها تا 7 شب میباشن. از 7 صبح می آیند تا 7 شب. و ما وقتتر میریم.

ک: از برکت پول این شرکت در کدام بخش غیرتولیدی هم سرمایه گذاری کرده اید؟ یا خواست تان این بوده باشه که از بخش تولید سرمایه ره انتقال بتین ده بخش غیرتولید؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: نی خواست ما خو این نبوده که این مسلک ره ترک کنیم. اما از اینجه [از پول اینجه] سرمایه گذاری کردیم. مه یک شرکت لوژستیکی هم داشتم که سر او هم وقت و ناوقت ضرورت شده از سرمایه ی دفتر استفاده کردیم. و همچنان در یک جایی یک معدن بود که در او هم یک 15 هزار ره مصرف کردیم.

ک: انگیزه ات برای ادامه ی کار چی اس؟ چرا می خواهی با وجود این همه سختی و جنجالی که داره و وقته هم بیشتر می گیره؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: انگیزه گفته اش نمیتانیم. مجبوریت گفته اش میتانیم تقریبا در شرایط فعلی. دیگه مجبور هستیم که فامیل خوده سپورت [support] بکنه انسان [قطع]

ک: اما سپورت با یک کار دیگر هم میشه!

MZPrivateKabul-15-08-2018: خو مشکل اس که از یک مسلک برآمدن و تا این که یک مسلک دیگر در این بازاری که رقابت این قدر تنگاتنگ اس و کار هم کم اس، که آدم بخواهه که مسلکی که فعلا درآمد داره و مشتری داره، ارتباط داره کتی مردم، از این مسلک برآیی و ده دیگه مسلک سرمایه گذاری کنی تا مشتری به خود جمع کنی و تا کتی مردم در ارتباط شوی با مردم و تا در او مسلک بلد شوی.

ک: پس تنها مجبوریت نیس و درآمد مالی هم مطرح اس؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: [بله] درآمد مالی هم وجود داره ولی از این که از این مسلک به مسلک دیگر رفته نمیتانیم یا جرأتش ره فعلا کرده نمیتانیم او یک مجبوریت اس، که در همین مسلک خوده گرفته ایم. با وجود این که کارها بسیار رکود کرده. با وصف این که درآمد بسیار تفاوت کرده نظر به سال های که اول شروع کرده بودیم.

ک: مشتری های کلان کلانتان بیشتر کی ها هستند؟

MZPrivateKabul-15-08-2018: بیشتر موسسات است یا دوایر دولتی. چرا که دیگر دفترهای که شخصی هستند آنها او قدر مصرف نمی کنند. و در وقت انتخابات وکیل ها، مشتری های بزرگ ما هستند.

ک: تشکر!

MZPrivateKabul-15-08-2018: خدا کنه به دردت بخوره این معلومات [خنده]!